

در دل راه است که انسان به راه‌های دقیق‌تری برخورد می‌کند.

شماره پرسش: ۲۵۹۱۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۹/۲۵ ۰۴:۱۲:۱۷

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: بنده فارغ التحصیل رشته مهندسی مکانیک هستم و به خاطر تغییر دیدگاه هایم تحصیل در این رشته را ادامه ندادم و از طرفی برای دنبال کردن دغدغه هایم در رشته فلسفه علم ادامه تحصیل دادم. بعد از اتمام دوره فوق لیسانس مطالعات جدی در زمینه قرآن، تفسیر و فلسفه را شروع کردم. اما با دو مساله جدی مواجه هستم. ۱. با توجه به مسائل خاص اقتصادی، احساس کردم باید در عرصه اقتصادی وارد شوم، در این زمینه حتی به کارهای هنری و مشاغل خانگی هم فکر کرده ام. اما اولاً نمی دانم آیا این احساس ناشی از حس تکلیف است و یا احساسی کاذب است؟ و ثانیاً آیا با فرض واقعی بودن این احساس، چگونه وارد این عرصه شوم که اثرگذار باشم؟ ۲. در مورد مطالعاتی که شروع کرده ام هیچ گونه هدف عینی و مشخص وجود ندارد و همین باعث سردرگمی می شود، چطور از این سردرگمی نجات پیدا کنم؟ البته بنده جزوه شما را که در مورد حضور نرم زنان بود مطالعه کردم اما باز هم مشکل من حل نشد. خیلی دوست داشتم که من هم بتوانم نقش تربیتی برای خودم تعریف کنم اما واقعا فضای مناسبی وجود ندارد. خواهشمندم راهنمایی بفرمایید. واقعا سردرگم هستم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «تو پای به راه در نه و هیچ می پرس / خود راه بگویدت که چون باید کرد». آنچه فعلاً می‌توانید انجام دهید را شروع کنید، در دل راه است که انسان به راه‌های دقیق‌تری برخورد می‌کند. موفق باشید